

## یادگیری از عدم موفقیت ها، تکیه بر فعالیت های محلی و تفاوت تاکتیک ها بر مبنای دیدگاه ها

### ۱- یادگیری از عدم موفقیت ها:

**تجمعات اعتراضی:** ما تا به حال دو بار به کسانی که فراخوان تجمع می دهند گوشزد کرده ایم که نباید بگذاریم تا حکومت کودتا زمان و محل اعتراضات را تعیین کند. بلکه ما باید با در نظر گرفتن تجارب عملی مان این کار را انجام دهیم.

مثلاً، در مورد گردهمایی در بازار تهران، تجربه نشان داده است که در هنگام ساعات قبل از ظهر در روزهای کاری هفته، تجمعات، بسیار کم تعدادند. این را در چند مورد تجربه کردیم. هم در تاریخ ۱۲ ام مرداد که دیدیم در ساعت ۱۱ صبح تعداد شرکت کنندگان از چند هزار نفر بیشتر نشد و در تقابل با نیروهای حکومتی، حتی نتوانستند یک گروه بیش از ۱۰۰ نفر را تشکیل دهند. و اگر مردم به علت اهمیتی که برای موضوع تنفیذ احمدی نژاد قائل بودند، در ساعات غروب در میدان ها و خیابان های متصل به ولیعصر تجمع نمی کردند، آن روز تبدیل به یک شکست در دناک می گشت.

مثال بعدی، دو روز بعد، یعنی روز تحلیف بود که فراخوان «جنبش سبز» از مردم برای ساعت ۹ صبح در بهارستان دعوت کرده بود. گو اینکه تعداد نفرات شرکت کننده بیش از روز ۱۲ ام مرداد بود، اما باز هم به نسبت کثرت و تمرکز نیروهای حکومتی که کاملاً قابل پیش بینی بود، تعداد زیادی از مردم شرکت نکردند و به همین علت نتوانستند تا ظهر، حتی دسته جات چند ده نفری را سازمان بدهند. دوباره اگر تجمع ۱۰۰۰۰ نفره در بازار بوقوع نییوسته بود، آن روز هم دچار شکست و سرخوردگی می شدیم.

تجمع بازار در روز چهارشنبه هم که بصورت عیانی با عدم موفقیت انجام شد و فقط در دنیای مجازی به علت گزارش های بعضاً کذب و تبلیغاتی، یک پیروزی خوانده شد.

بنظر ما تجربه نشان داده است که تجمعات قبل از ظهر کثرت کافی را ندارد. قبل از ظهرها تعداد مهمی از شرکت کنندگان، بخصوص کارگران و کارمندان مشغول به کار می باشند و بیکاران هم آن ساعات را به امید کاریابی، یا در میدان های کارگران ساختمانی و یا در پاتوق های کاریابی می گذرانند و تعدادی دیگر هم به دنبال کارهای اداری و مشغله های زندگی شان هستند. بنابراین ما باید زمان تجمعات سراسری را مناسب با حال مردم در ساعات بعداز ظهر و نزدیک غروب تعیین کنیم. چرا که باز هم تجربه نشان داده است که هنگام تاریکی هوا، موج عظیمی از مردم بیرون آمده و تغییر بزرگی در توازن نیرو بوجود می آورند.

محلات برگزاری هم باید بر مبنای تجربه انتخاب شود. دیده ایم که در محل های تجمعات بزرگ به سرعت شکل می گیرند که نزدیک به محله های مسکونی هستند. مثلاً میدان ونک، مرکزیتی برای محله های میرداماد، ولیعصر شمالی و ملا صدرا و ... است. و یا میدان ولیعصر که مرکزیتی برای نیروهای مرکزی در خیابان ها و محلات از خیابان بهار تا فاطمی و بلوار و ... است. یا میدان انقلاب که مرکزیتی برای محله های پرشمار مرکزی تهران است و ...

بنابراین مهم نیست که حکومت مراسم خود را در چه ساعتی و در کجا اعلام می کند. ما نباید در دام ایشان گرفتار شویم و ساعت گردهمایی و محل آن را جایی اعلام کنیم که حکومت با تمرکز نیروی خود و محاصره ی منطقه، آمادگی کاملی برای برخورد با تجمع کنندگان دارد. بلکه ما باید تجمعات را در ساعات و محل های اعلام کنیم که نیروهای مردمی بتوانند با تعداد و قدرت بیشتری نسبت به نیروهای حکومتی شرکت کنند. در روزهای کاری هفته این ساعات غروبی و مراکزی است که مرکزیت چند محله ی پر جمعیت را دارند.

**اطلاع رسانی:** یک موضوع دیگر اینکه، اخیراً ما با نوعی اطلاع رسانی مواجه شده ایم که با غلو کردن در تعداد شرکت کنندگان و حدت و شدت برخوردها و درگیری ها سعی در پنهان داشتن واقعیات و ضعف ها و نقصان های مبارزات مردمی کرده اند. گو اینکه این دوستان با نیت پاک و جلوگیری از افت روحی مبارزان و احیاناً ریزش نیروی شرکت کننده در تجمعات به چنین اقداماتی دست می زنند، اما، در عمل نه

## ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

تنها کمکی به این مبارزات نمیکند، بلکه با جلوگیری از اشاعه و اقیعت ها، از جمعبندی و تحلیل کارشناسان و دست اندرکاران بر مبنای واقعیات جلوگیری کرده و باعث تکرار اشتباهات و مخفی ماندن نقایص طرح های استراتژیک و تاکتیکی این مبارزات می گردند، که نتیجه ای جز تراکم این نارسایی ها نداشته و نهایتاً به عدم موفقیت آن می انجامد. پس از دوستان و رفقای که در صحنه از میدان مبارزات مردمی گزارش می دهند تقاضا داریم که گزارشات خود را دقیقاً بر مبنای واقعیات گذاشته و نگرانی رسیدگی به امور روحی مردم را به مبلغین و فعالیت های تبلیغاتی شان بسپارند.

## ۲- تفاوت تاکتیک ها بر مبنای دیدگاه ها:

متأسفانه، از لحاظ سیاسی کمتر برای مردم توضیح داده می شود که شرایط مبارزه چیست؟ اهدافش کدامست؟ چرا چنین روش هایی توصیه می شود؟ و تا زمانیکه چنین نکنیم، نمی توانیم ارتباط خلاق بین فراخوان دهندگان و مردم شرکت کننده در تظاهرات ها برقرار کنیم. در اینجا ما سعی می کنیم تا نوری، هر چند کم سو، به صحنه ی سیاسی این مبارزات بیاندازیم و در پیام های بعدی نیز با توضیح بیشتر، مردم را نسبت به نیروهای درگیر، اهداف و چگونگی تعیین تاکتیک هایشان آگاه تر سازیم. تنها در چنین اوضاعی است که در عوض تعداد کمی مرکز تصمیم گیری و ارائه تاکتیک، مردم پیشبرنده ی مبارزه را در موقعیتی از هشیاری قرار می دهیم، که در هر مقطعی بتوانند با اتخاذ سیاست آگاهانه مبارزاتشان را به پیش ببرند.

با کمی دقت به نظرات موجود در جامعه ایران، متوجه می شویم که سه نیرو با اهداف مشخص خود در این درگیری ها شرکت دارند. نیروی اول، نیروهای جناح کودتاچیان حکومت جمهوری اسلامی هستند. این حکومت از دو بازوی نیروهای سرکوب فیزیکی، مانند پلیس و سپاه و بسیج و اطلاعات چی های لباس شخصی و .. و سرکوب ذهنی، مانند خامنه ای و روحانی های طرفدارش و مطبوعات و صدا و سیما و ... تشکیل شده است، که هدفشان چیزی جز سرکوب قهرآمیز مبارزات مردم تا نقطه توقف دخالت عمومی در مسائل سیاسی و استقرار تمام عیار دیکتاتوری و خفقان نیست. ایشان با کودتا علیه جناح اصلاح طلب حکومتی در انتخابات ریاست جمهوری دهم، آنها را از هیئت حاکمه حذف کردند و قدرت سیاسی را کاملاً مال خود نمودند. نیروی دوم، همین جناح مغلوب هیئت حاکمه است. متشکل از گروه های طرفدار هاشمی رفسنجانی و کروبی و خاتمی و موسوی و ... که هدفشان بازگشت به مقام خود در هیئت حاکمه و تقسیم قدرت می باشد. اما، از آنجا که فعلاً از قدرت سیاسی حذف شده اند و دسترسی به امکانات حکومتی برای پیشبرد اهداف خود ندارند، متوسل به نیروهای مردمی گشته اند و می خواهند از آن بصورت عامل فشار بر روی جناح حاکم استفاده کنند و ایشان را مجبور سازند تا برای گروه های ایشان نیز در هیئت حاکمه، چون گذشته، جایی را باز کنند. اما نیروی سوم، نیروهای مردمی هستند. یعنی نیروی تجمع کنندگان و تظاهرات های مردمی و همان نیرویی ای که برای دست یافتن به آزادی های متعارف فردی، از قبیل حق تعیین سرنوشت خود و خانواده شان و عدم دخالت حکومت در زندگی خصوصی شان، آزادی بیان و قلم، تجمعات، احزاب و تظاهرات و اعتصاب و دخالت در امور سیاسی و ... به خیابان ها آمده است. یعنی همان نیرویی که فکر می کرد اگر در انتخابات شرکت کند و جناح اصلاح طلب را به حکومت برگزیند با ندادن هزینه یک انقلاب تمام عیار، می تواند به اهداف مذکور برسد.

اما چنین نشد. کاملاً واضح بود که حکومت بیت رهبری و سردار پاسداران حاضر به تسلیم قدرت نیستند و حاضرند برای باقی ماندن در قدرت دست به هر کاری بزنند، که زدند! شرایط امروزی دو نیرو را در مقابل دولت کودتا و سرکوب نظامی اش؛ تا مقطع شکاندن مقاومت کودتاچیان، همراه کرده است. نیروی عاری از هرگونه قدرت جناح مغلوب حکومتی (اصلاح طلبان) و نیروی مقتدر و رزمنده ی مردمی! اگر اتخاذ تاکتیک مناسب تنها بر مبنای شرایط کنونی بود، شاید هر دو نیروی اصلاح طلبان و مردمی، راه و شیوه ی مشترکی را اتخاذ می نمودند. اما اینگونه نیست! اتخاذ تاکتیک، فقط بر مبنای شرایط کنونی تعیین نمی شود، بلکه در آمیخته با هدف نهایی است. مثلاً اگر هدف

نیروی اشغال «موصل» باشد و نیروی دیگری بخواهد «بصره» را بگیرد، مسلماً نیروهای خود را به اشکال متفاوت چیده و بلندی های متفاوتی را برای فتح در نظر می گیرند. بنابراین می بینیم که روش و تاکتیک در ارتباط ناگسستگی با هدف تعیین می شود. هدف اصلاح طلبانی چون هاشمی و ... برگشتن به قدرت سابق شان است. اما دارای نیرویی حکومتی که بتواند اراده شان را به کودتاچیان تحمیل کند نیستند. پس سعی می کنند که با متقاعد کردن نیروی مقتدر مردمی به اهداف خویش، از این نیرو، برای پیشبرد هدفشان استفاده کنند. تاکتیک «گام به گام» اینگونه تعیین شده است. که «مردم بیابید اول موصل را بگیریم و بعد به سمت بصره می رویم.» در صورتیکه «موصل» هدف نهایی ایشان است و هیچ تمایلی برای فتح «بصره» ندارند. هدف ایشان، بازگشت به قدرت است و هیچ خیالی برای فتح آزادی های فردی توسط مردم ندارند. همینکه به قدرت برسند، نه تنها ما را همراهی نخواهند کرد، که از قدرت به دست آمده برای سرکوب مجدد ما استفاده خواهند نمود. همانطور که در زمانیکه خودشان جمعاً ۲۴ سال از ۳۰ سال گذشته در قدرت و بعنوان شخص اول مملکت بودند و ما را همچون همین دولت کودتا سرکوب کردند.

اینها را گفتیم که ببینید، هنگامیکه ایشان اعلام تجمع می کنند و این تجمعات را سراسری می خواهند و ما را به جلوی کاخ ریاست جمهوری و مجلس و بیت رهبری در ساعات اولیه ی روز می برند، به این علت است که می خواهند از نیروی ما برای اعمال فشار استفاده کنند تا جناح مقابل را وادار سازند که در را بر روی ایشان باز کند. به همین علت است که همواره می گوید، «جانان را باید بخشید و فراموش کرد»، که مبدا احمدی نژاد و خامنه ای فکر کنند که اگر حاضر به عقب نشینی بشوند و در را بر روی ایشان بگشایند، مورد بازداشت و محاکمه و ... قرار خواهند گرفت. و یا اعلام می دارند که «سپاه و بسیج یاران ما هستند و هدف ما انحلال آنان نیست»، چرا که هدفشان به دست آوردن قدرتی است که این مزدوران به آنها خواهند بخشید. بدون سپاه و بسیج و دیگر نیروهای مسلح و ابزار سرکوب، دیگر قدرتی نمی ماند که ایشان بخواهند در آن شریک شوند.

اما، هدف مردم «دمکراسی» است. یعنی نظام سیاسی ای که به ایشان قدرت تعیین سرنوشتشان را بدهد و آزادی های فردی شان را تضمین کند. همانطور که راه «بصره» از «موصل» نمی گذرد، راه «دمکراسی» هم از شراکت اصلاح طلبان در نظام دیکتاتوری ولی فقیه اسلامی نمی گذرد.

### ۳- تظاهرات های شبانه همراه با شعارهای شبانه:

همانطور که گفتیم، تظاهرات های صبحگاهی در مناطق حساس حکومتی در شرایط حاضر که قشر وسیعی از مردم هنوز به مبارزات نپیوسته اند، به درد استقرار دمکراسی نمی خورد. بلکه تنها به درد اصلاح طلبانی میخورد که می خواهند با فشار بر نقاط حساس حکومتی آن را وادار به برداشتن یک قدم به عقب کنند. در صورتیکه استقرار دمکراسی نیاز دارد تا کلیه ابزار و آلات دیکتاتوری محو گردد و به جای آن نهادها و بناهای یک نظم نوین احداث شود. به همین جهت است که نیروهای مردمی و خواهان دمکراسی باید مبارزه را طولانی مدت تر در نظر بگیرند و گول حرف های اصلاح طلبان را که میگویند «با تعطیلی بازار همه چیز تمام است» و یا «با استعفای احمدی نژاد مبارزه به اهدافش می رسد» را نخورند. ما برای استقرار دمکراسی نیاز به درگیری تمامی جمعیت ایران در ساختمان نظام سیاسی و حقوقی دمکراتیک داریم. ما در پیام ششم خود توضیح دادیم که «دمکراسی» چیست و چگونه حاصل می شود. ما باید نهادهای مردمی، از قبیل «انجمن های محلی»، «انجمن های صنفی»، «احزاب سیاسی» و نهادهای دمکراتیک حمایت از حقوق کودکان، برابری زنان، و مذاهب و اقوام و ... را بنا کرده و با تشکل دهی و سازمان یافتگی خود و کل جامعه در این نهادها، قدرت سیاسی مردم را فزونی داده و «قدرت سیاسی و اجتماعی» را به منشاء آن، یعنی مردم، برگردانیم. همانطور که گفتیم، در چنین زمانیکه مبارزه با دیکتاتوری، جو و شرایط همگرایی را در میان ما بوجود آورده باید از آن استفاده کرد و خود و دیگران را تشویق به سازماندهی و ایجاد چنین نهادهایی نمود. چنین شرایط همگرایی ای اینک پس از

گذشت ۳۰ سال، دوباره ظاهر گشته است و اگر از این موقعیت استفاده نکنیم، معلوم نیست چند دهه ی دیگر را باید زیر تحمل استبداد و دیکتاتوری بگذرانیم. ما در پیام های خود در مورد یک یک این نهادها صحبت کرده و پس از توضیح ساختار و جای مشخص ایشان در نظام دمکراتیک، راه هایی را برای چگونگی ایجادشان پیشنهاد خواهیم کرد. اما در پیام گذشته توضیحی در مورد «انجمن های محلی» و ساختار ایشان دادیم که اینک پیشنهاد مشخصی را خدمتتان عرضه می کنیم.

اینک در محله ها مردم در دو سطح از مبارزه فعال شده اند. اول، «یاران خیابانی» که باهم تصمیم می گیرند که در کدام منطقه و ساعت جمع شوند و همانطور که گفتیم تقسیم کار کوچکی هم بین خود می کنند. دوم، همسایه هایی هستند که در این مبارزات، هنوز پایشان به خیابان باز نشده است، اما هر شب بر روی پشت بام های خود آمده و در «شعارهای شبانه» شرکت می کنند. تفاوت «یاران خیابانی» با این عده در اینست که دسته اول به قدرت مردم و ضعف حکومت آگاه شده اند و دیگر ترسی از رویارویی با نیروهای سرکوبگر ندارند. اما، دسته دوم هنوز در توهم قدرت حکومتی و ضعف مردمی گرفتارند. برای تغییر چنین شرایط ذهنی و شکستن این توهم، وظیفه «یاران خیابانی» است که قدم به جلو گذاشته و هنگامیکه دسته دوم در شعار دادن با ایشان همراه می شوند، هر شب برای ساعتی به کوچه و خیابان آمده و با پیاده روی در محل مردم را تشویق به همراهی کنند. چنین اقدامی ممکن است در آغاز چند نفره باشد، اما رفته رفته دیگران نیز به خود جذب کرده و آنها را آماده می سازد تا هنگام فراخوان سراسری، با «یاران خیابانی» به خیابان ها بیایند.

**فعالیت تبلیغی:** البته این بخودی خود کافی نیست، بلکه همراه با چنین اقدان «تهییجی» باید به اقدامات «تبلیغی» و آگاهگرانه نیز پرداخت. فعالیت ساختار سازی، اول از طریق فعالیت گروه های کوچک، اما پُر انرژی تبلیغات محلی آغاز میگردد. با انتقال اخبار بصورت روزمره، موضوع مبارزات مردمی، موضوع واحدی برای گفتگوی همسایه ها و تشریح مساعی ایشان میشود. با گفتگوی بیشتر و آشنایی با ذهنیت یکدیگر، نزدیکی لازم بوجود میآید. دیوار نویسی های شبانه در محل، احساس مبارزه ی مشترک را در تمامی افراد محل بوجود می آورد و قبل از اینکه خود بدانید، موضوعی پیش پا افتاده، ایشان را متحدانه در مقابل مأمورین و مسئولین حکومتی قرار می دهد. اما، از نقش آگاه گرایانه ی شبنامه ها غافل نشوید. ثبات آگاهی سیاسی به مراتب پایدارتر از احساسات جریحه دار شده است. ترکیب آگاهی و احساس، به عمل مبارزاتی ختم می شود. پیروز باشید!

ندای سرخ - ۲۳ مرداد ۱۳۸۸